

ملاحظات فرهنگی در شکل دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی

دکتر محمد نقی زاده*، دکتر بهادر زمانی**، مهندس اسلام کرمی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۱۰/۱

چکیده

با توجه به رابطه فعالیت‌های انسان با فرهنگ، شهر بستری است که در آن فرهنگ از طریق فعالیت‌ها و ارتباطات انسانی به جریان درمی‌آید. کالبد شهر، بالاخص نماهای شهری به بازنمایی این رابطه پرداخته و ارزش‌های سنت‌های هم زیستی را عینیت می‌بخشند. سوال تحقیق، بررسی رابطه متقابل نماهای شهری و فرهنگ است. علیرغم توجه دانشکده‌های معماری و شهرسازی نسبت به مسائل زیر بنایی همچون فرهنگ و هویت، معماری معاصر ایران دچار اغتشاش و بی هویتی است. ضعف در شناسایی فرهنگ خودی، مشکلات آموزشی، تبلیغات فرهنگ بیگانه، نبود قوانین و ضوابط منسجم و کارآمد، ضعف راهکارهای مدیریت شهری در معماری و شهرسازی موضوعاتی هستند که در بحران هویت فرهنگی معماری و شهرسازی معاصر ایران نقش دارند. تحقیق حاضر در بررسی رابطه فرهنگ و نماهای شهری، به نقش ارزش‌های اعتقادی، اجتماعی و دستاوردهای بومی در شکل‌دهی به نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی پرداخته است.

واژه‌های کلیدی

فرهنگ، نمای شهری، هویت، ارزش

* استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
E-mail: dr-mnaghizadeh@yahoo.com

** دکتری طراحی شهری و استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
*** دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه

بخشی از کالبد شهر هم نماد فرهنگ است و هم بازتاب فرهنگ شهر نشینی. هم زبان فرهنگ شهر نشینی است و هم رعایت اصول شهرنشینی. هم بیان آداب سکونت در شهر است و هم احترام به مقررات شهر نشینی. سوال تحقیق حاضر نیز، نقش موثر نماهای شهری در فرآیند فرهنگ سازی جامعه است. «چرا در شهر معاصر ایرانی، نماهای شهری هیچگونه احساسی مگر رخوت، اغتشاش و بی هویتی در انسان بوجود نمی آورد؟» موضوعی است که به دلیل ارتباط نزدیک شهر با فرهنگ سازندگان و ساکنان، باید در فرهنگ خودی، جستجو گردد. بنابراین مفهوم نمای شهری و رابطه آن با فرهنگ مورد ارزیابی قرار می گیرد. فرهنگ لغات فارسی در کاربرد واژه نما عبارات «صورت ظاهر»، «آنچه در معرض دید و برابر چشم است»، و «بعدی از ساختمان که به دیده می آید» را به کار می برند. معین، ۱۳۶۴ (دهخدا، ۱۳۷۷) و (مشیری، ۱۳۶۹) و (عمید، ۱۳۷۸) تعریف و کاربرد واژه نما در فرهنگ لغت، نشان دهنده این موضوع است که نمای ساختمان چیزی منفک از ساختمان نیست و فارغ از پوششی نهایی برای مقاومت در برابر شرایط جوی، بیان کننده عملکرد ساختمان (انطباق فرم ساختمان با عملکرد آن)، منش، کردار و تفکر ساکنان، به مثابه لولایی اجتماعی، فصل مشترک فضاهای عمومی و خصوصی می باشد. نما، ارتباط ملموس ساختمان با شهر می باشد. از طریق نما، عناصر طبیعی (نور، باد) به ساختمان نفوذ کرده و ارتباط ساکنان با فضای شهری برقرار می گردد. علاوه بر آن در شکل دهی به سیمای کالبدی شهر، نقش مهمی داشته و فصل مشترک رنگ تعلق داخلی و بیرونی است. هرچند موضوع نمای شهری و ارتباط ساختمان با زیبایی شهر هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ رویکرد روانشناسی محیطی موضوع مهمی ارزیابی می شود، با این وجود منابع کمتری به موضوع نمای شهری به صورت مستقیم پرداخته اند. در پاره ای از موضوعات به نمای شهری به عنوان یک پدیده ساختاری حاصل تأثیرات محیطی (اقلیم، اقتصاد) پرداخته شده است و در بررسی توقعات از نمای شهری چهار عامل محافظت، ارتباط با فضای شهری (جهت تامین نور، دید و دسترسی و تهویه)، معرف صاحب ملک بودن و در نهایت جزئی از یک کل بودن مطرح می گردد. (پاکر، ۱۳۸۲، ۳۳) در نقد دیدگاه ساختاری می توان عنوان نمود، هرچند توقعات مذکور در هر فرهنگ می تواند لباس مختلفی به نما ببوشاند. با این وجود این سوال مطرح می گردد که با داشتن شهری هماهنگ و زیبا به آرمان مطلوب دست یافته شده است؟ پاره ای از مطالعات نیز با رویکرد روانشناسی محیطی و با دیدگاه ساختاری - فضایی به ارتباط نماهای شهری و ادراک محیطی پرداخته اند و با اتکا به حس خوانایی نماهای شهری را عاملی برای شناخت و امکان جهت یابی فضا نام برده اند. بر پایه این

در فرآیند تبدیل قطعیت قراردادی مدرنیته به نسبیت واقعی جهان، فرهنگ و هویت، سوال آفرین موضوعات در گستره جغرافیایی جهان هستند که در جهان تک ساحتی مدرن تا حدی نادیده انگاشته شدند. از دست دادن حس مکان، بی تعلقی به مکان ارتباط عمیقی با بی هویتی مکان سکونت و نادیده گرفتن فرهنگ انسان در شکل دهی به فضای زندگی دارد. ضعف سیستم آموزشی در دانشکده های معماری و شهرسازی، ترویج و تبلیغ فرهنگ بیگانه در مطبوعات داخلی، ضعف زیرساخت های آموزش فرهنگ بومی، دخالت متخصصان دیگر زمینه های علمی در معماری و شهرسازی، ضعف راهکارهای مدیریت شهری، گرانی مسکن و نیاز به تامین سطح وسیع مسکن برای اقشار نیازمند، شهری با سیمای مغشوش فرهنگ التقاط گرایانه ای به وجود آورده است که بارقه فرهنگ بومی را هر روز بیش از پیش کم رنگ می نماید. در بررسی رابطه محیط انسان ساخت و فرهنگ سه رویکرد مطرح است. در رویکرد اول، شهر به مثابه یک پدیده جغرافیایی مکانی، دریک تصویر الگوواره، درمقوله یا گونه ای خاص قرار می گیرد. (شهر دینی یا شهر اقتصادی یا شهر سیاسی) و شهر با خصوصیتی کاملاً فرهنگی، خود را به مثابه «جهان خرد» یا یک «شهر جهانی» به نمایش می گذارد. (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۹۰) مانند شهر اسکندریه که به برکت ارج نهادن به فرهنگ، قرن ها دوام یافته و کانون انتقال ارزش ها به نسل های آینده شده اند. (توسلی، ۱۳۷۹، ۳۶-۳۴) رویکرد دوم، با اتکاء به روانشناسی محیطی، تأثیر متقابل محیط و فرهنگ انسانی را در قالب ویژگی های محیط کالبدی، فعالیت های انسانی و خصوصیات فرهنگی جامعه بررسی می کند. (بحرینی، ۱۳۸۴، ۴-۱) رویکرد سوم، شهر را به عنوان سازمان اجتماعی فضایی، تولید کننده فرهنگ و بستر مناسبی برای فرایند «فرهنگ سازی» معرفی می کند. (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۸۶) این رویکرد با اتکاء به نظریه هنجاری، دو مولفه فرهنگ شهری (آداب و رفتار زندگی و سکونت در شهر که در روابط و کالبد شهر جریان دارد) و شهر فرهنگی (شهری که فرهنگ در مناسبات اجتماعی، آثار گذشتگان، سنت ها، آیین ها، نمادها، زبان، روابط اجتماعی، کالبد و در تمام عناصر فرهنگی آن قابل مشاهده است) به عنوان اجزای مکمل مورد بررسی قرار می دهد. (ترابی و همکاران، ۱۳۸۳، ۱۰-۵) در صورت گسست در رابطه شهر و فرهنگ، شهر هویتی چهل تکه پیدا می کند و فرهنگ ساکنان، با توجه به تأثیر محیط در ذهن و روان آدمی، هویتی مغشوش و در نهایت هویتی بیگانه پیدا می کند. (نقی زاده، ۱۳۸۶، ۴۹) با توجه به موارد یاد شده، نماهای شهری به عنوان

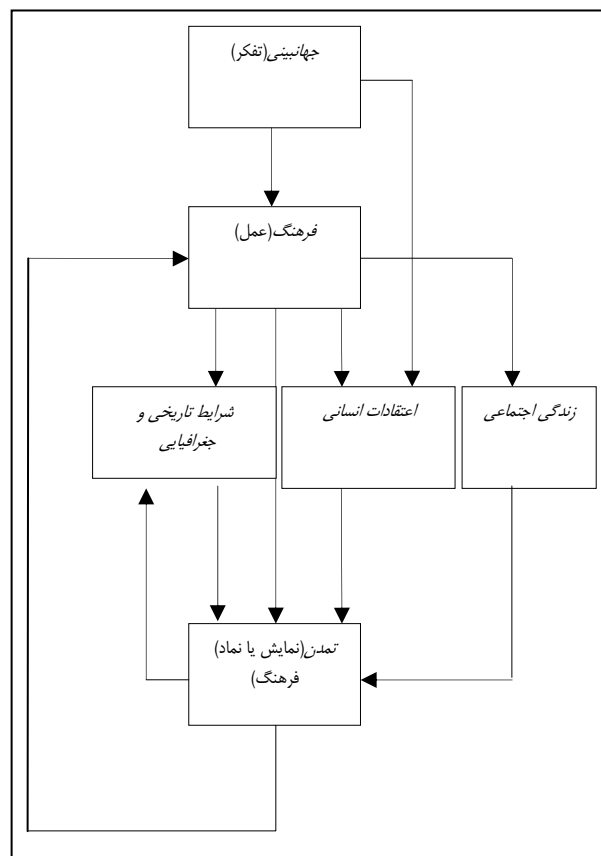
شدن مکان به عنوان بخشی از هویت انسان و انتقال ارزش‌های مستتر مکان به انسان، مکان نقشی اساسی در تحولات فرهنگی و رواج شیوه زیست انسان و شکل‌گیری ارزش‌ها، ارتباطات و فعالیت‌های انسانی عهده دار است. (زقی زاده، ۱۳۸۱، ۲۱) بنابراین رابطه ارزش‌ها و فرهنگ جامعه و شکل بنا رابطه متقابل است. دانش معماری، ارزش‌ها و باورهای جامعه، فرهنگ اجتماعی، سنت‌ها و ارزش‌ها به نماهای شهری شکل می‌دهد و نماهای شهری ارزش‌های زاده از سنت‌های هم‌زیستی مانند گشاده رویی و بی‌ریایی و حس اطمینان و احترامی بی‌قید و شرط به دیگران را جلوه گر می‌دارند. (فلامکی، ۱۳۸۵) (صدری، ۱۳۷۸، ۱۳۹) با بررسی دو دیدگاه مطرح شده تأثیر نماهای شهری در ارزش‌های فرهنگی شهروندان و نقش ارزش‌های فرهنگی جامعه در شکل دهی به نماهای شهری توسط معماران و شهرسازان، چنین استنباط می‌شود که «فرهنگ»، زبان مشترکی میان سازندگان نماهای شهری و مردم می‌باشد. بدیهی است که عدم سازگاری میان ارزش‌های فرهنگی معمار و ارزش‌های فرهنگی استفاده‌کنندگان، تا چه حد می‌تواند به احساس بی‌هویتی بیانجامد. بنابراین این موضوع نیازمند بررسی رابطه مخاطب (مردم)، هنرمند (معماران و شهرسازان)، اثر هنری (نمای شهری) و زبان مشترک دیالکتیکی (فرهنگ مشترک) می‌باشد. که از آن به هرمنوتیک یا علم تفسیر یاد می‌شود. "هر چند در رویکرد هرمنوتیک تاویل و تفسیر یا قرائت یک اثر وابسته به شرایط مکانی و زمانی مخاطب اثر هنری می‌باشد، و بنا به پذیرش اصل کثرت‌گرایی امکان هرگونه تفسیری از اثر توسط بینندگان وجود دارد، با این وجود در رویکرد هرمنوتیک (رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطب) از دیدگاه اسلامی، رابطه هنرمند با مخاطب وابسته به کلیدها و رمزهایی است که عامل وحدت بخش مخاطب و هنرمند است. این کلیدها و رمزها تنها در سایه پذیرش معرفت و هستی‌شناسی اسلامی و به دور از هرگونه کثرت‌گرایی تعبیر می‌شود و تفکر منبعث از فرهنگ اسلامی - الهی، عامل وحدت بخش و هم‌زمانی معنایی در برداشت‌های متعدد مخاطبان از اثر، ضمن برداشت منطقی از آن می‌شود. (قره‌کار، ۱۳۸۷، ۳۱۳-۳۰۱) لذا، لزوم توجه به «فرهنگ اسلامی» به عنوان زبان مشترک و عامل موثر در هم‌زمانی معنایی میان معماران، شهرسازان و مردم در طراحی نما ضرورت دارد. تحقیق حاضر با اتکاء به تئوری هنجاری و از دیگاه معنایی^۲ (نقش عوامل و ارزش‌های فرهنگی در شکل دهی به محیط) به بررسی رابطه انسان با نماهای شهری پرداخته و از طریق روش تحقیق توصیفی (تفسیری - تاریخی)، با تعریف فرهنگ و عوامل و مولفه‌های شکل‌دهنده آن و در فرآیند انجام تحقیق، با استفاده از روش تطبیقی - مقایسه‌ای، به روش توصیف و تفسیر و ارائه مصادیقی از معماری اسلامی به بازنمایی این رابطه پرداخته است. انجام تحقیق

مطالعات «کوبین لینچ» ساده‌ترین شکل معنی را هویت نام می‌برد. یعنی "حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکان‌ها شناخته و یا بازشناسی نماید." (لینچ، ۱۳۸۰، ۱۵۷) این دیدگاه نیز با اتکا به حس جهت‌یابی، و عوامل موثر فرم در شکل‌گیری تصویر ذهنی به پاره‌ای از خصوصیات گشتالت (ادراک شکل) در ادراک و فهم نماهای شهری در ذهن ساکنان شهر می‌پردازد. به هر حال اصولی از قبیل سادگی فرم، تمایز با زمینه را به عنوان عوامل موثر در شکل‌گیری تصویر ذهنی شهر، شناسایی می‌کنند. بنابراین با عنایت به موضوعات یادشده، فرضیه تحقیق مبین این موضوع است که نماهای شهری معاصر ایرانی با تصمیماتی در مورد هماهنگی در خط آسمان، تنظیم خطوط طولی و عرضی بازشوها، به کاربردن مصالح یکسان و یکسانی ابعاد پنجره‌ها (آنگونه که در اکثر پروژه‌های طراحی شهری، به صورت مدل‌های سه بعدی ارائه می‌شود) حتی اگر هم هماهنگ و یکپارچه گردد، ممکن است شکلی منظم و به ظاهر زیبا از بناهای شهر ترسیم شود، با این وجود، اگر با نیازها، شیوه زندگی، اعتقادات و با فرهنگ و هویت انسان هم سو نباشد، هرگز رابطه‌ای احساسی و ماندگار میان انسان و مکان نخواهد داشت. در این راستا دو دیدگاه کاملاً به هم وابسته را مطرح می‌گردد. در دیدگاه اول "ارزش‌ها، باورها و اعتقادات سهم عمده‌ای را در شکل دهی به محیط‌های انسانی دارند." (لینچ، ۱۳۸۰، ۱۱۰-۹۳) وظیفه اصلی فرهنگ نمایش ایدئولوژی‌ها، اهداف و آرمان‌های خاص یک جامعه به وسیله نمود اشکال عینی است و بر معماری و شهر که نمودار سیستم ارزشی^۱ حاکم بر جامعه است، تأثیر گذاشته و به آن فرم می‌دهد و وظیفه هر بنا عینیت بخشیدن به یک اندیشه ذهنی بوده و هر ساختمان نمودی برای سنجش فرهنگ و یک شاهد فرهنگی است. (گروتز، ۱۳۷۵، ۵۶-۵۳) از این رو در تمام مراحل شهر نشینی، چگونگی شکل‌گیری بناها و فضاها ارتباط مستقیمی با دانش، رفتار و ذهنیت ساکنان شهر داشته و شهر آینه تمام‌نمای قدرت سیاسی، توان اقتصادی، شعور فرهنگی، خرد اجتماعی، تدبیر اداری و مدیریت ساکنان خود است. (خاتری، ۱۳۷۸، ۲۸) بنابر این معمار در شکل دهی به محیط با داده‌هایی (ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، سنت‌ها که مستقیماً زاده محیط فرهنگی‌اند روبه رو است (فلامکی، ۱۳۸۵) و زیبایی در دستان معمار که تربیت یافته فرهنگ (ارزش‌ها و سنت‌های حاکم بر جامعه) است بر رخسار شهر و بنا نقش می‌بندد. (مزینی، ۱۳۸۰، ۱۹۸-۱۸۱) دیدگاه دوم به نقش نماهای شهری در شکل‌گیری رفتارها و ارزش‌های مردم می‌پردازد. در نظر این دیدگاه، "فرم یا محیط کالبدی بستر تعاملات و ظرف فعالیت‌های شهری است پیدایش هر گونه تغییر و تحولی در ساخت آن در رابطه با تغییراتی که در سازمان فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی حاصل خواهد بود." (بحرینی، ۱۳۷۷، ۶۲) "و با مطرح

مفهوم فرهنگ اسلامی و تحقق آن در نماهای شهر ایرانی

تنوع تعاریف ارائه شده برای فرهنگ در حوزه‌های مختلف علوم نشان می‌دهد که فرهنگ تمام ابعاد حیاتی انسان را در بر می‌گیرد.^۳ در فرهنگ لغت «فر» به معنای شوکت و شکوه، نشانه والانگری و گام نهادن در مسیر پیشرفت است؛ آینده نگری و کمال را به مفهوم زمانی و مکانی در بردارد. «هنگ» ارتقاء، لیاقت، فهم و معرفت، هوش و هوشیاری است که از طریق تلاش و کوشش و آموزش و پرورش بدست می‌آید.^۴ فرهنگ به مفهوم عام، روش زیستن و اندیشیدن است استنتاج ملتی در طی قرون متمادی از از زندگی است. (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۱) مجموعه باورها، دانش‌ها، معارف، و آداب و رسوم و ارزش‌هایی است که جامعه‌ای بر مبنای اعتقادات خود آن را تکامل بخشیده و براساس آن زندگی می‌کند. (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۰۲) بیانگر نگرش انسان به دنیا و تفکر او درباره تمام ابعاد زندگی و در بر گیرنده رفتار او و همه چیزهایی است که تولید می‌کند. (توحید قام، ۱۳۸۰، ۹۰-۷۵) حاصل بینش و نگرش کلی جامعه نسبت به جهان است. آینه تمام نمای ارزش‌های حاکم بر فرد و جامعه است که با چهره‌های گوناگون در علوم، هنرها و در تمامی کرد و کار انسانی تجلی پیدا می‌کند. بنابراین با توجه به تعاریف ذکر شده، می‌توان در یک نگرش کلی فرهنگ را مجموع قوانین و ارزش‌های زندگی اجتماعی (عرف‌ها و آداب و رسوم)، تاثیر اعتقادات (جهان‌بینی) و دستاوردها و تولیدات یک ملت (هویت تاریخی) نام برد. بدیهی است که تاثیر هر کدام از موارد یاد شده، در تنوع فرهنگ‌ها نقش اساسی دارد. با توجه به این تاثیرات، محصولاتی که انسان تولید می‌کند و برای رفع نیازهای خود اعم از نیازهای مادی، روحی و معنوی به کار می‌گیرد، تحت تاثیر فرهنگ است که با توجه به تنوع اعتقادات، بوم، قوانین زندگی اجتماعی و فردی و زمان شکل خاصی پیدا می‌کند و در نهایت به عنوان یکی از ارکان تمدن حاصل از فرهنگ معرفی می‌گردد. چنین استنباط می‌شود که آورده انسان برای زندگی در یک مکان، جهان بینی است. با گذشت زمان زندگی جمعی در کنار دیگر انسان‌ها لزوم تدوین و تبیین مقررات زندگی جمعی را برای انسان ملحوظ می‌دارد. لذا انسان برای زندگی در یک مکان جغرافیایی برای زندگی همساز با اقلیم و در یک مکان اجتماعی برای افزایش مسالمت و همزیستی با دیگران با یک تفکر خاص منشعب از جهان بینی خود، تابع یک فرهنگ خاص می‌گردد. فارغ از آنکه جهان بینی مادی باشد یا الهی باشد، فرهنگ التقاطی باشد یا بومی و قوانین زندگی اجتماعی عرفی باشد یا شرعی و یا نسبی باشد یا مطلق، آثار تمدن و بشریت، ثمره و حاصل آن است. در تعریف فرهنگ در متون اسلامی

حاضر، بنابر تاثیر محیط بر اعمال و رفتار انسان، و ایجاد محیط با هویت برای انسان، ضرورت داشته و اهمیت تحقیق حاضر نیز در نگرشی است که به نمای ساختمان فارغ از یک سطح و صرفاً برای زیباسازی شهر و حفاظت از ساختمان داشته و نما را عامل موثری در فرآیند فرهنگ‌سازی، حس مکان و هویت‌مندی مکان شناسایی کرده است. تحقیق حاضر، در بررسی رابطه فرهنگ و محیط انسان ساخت، فرهنگ اسلامی را در سه حوزه به هم پیوسته زندگی اجتماعی، اعتقادات انسانی و تاثیر ویژگی‌های تاریخی - جغرافیایی نتیجه‌گیری و در ادامه تحقیق برای دستیابی به رابطه فرهنگ و نماهای شهری، ارزش‌های زندگی اجتماعی، اعتقادی و دستاوردهای بومی ملت ایران در شکل‌دهی به نماهای شهر اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. راهکارهای تحقیق، تامین زیر ساخت‌ها و روساخت‌های فرهنگی، ضرورت توجه به معماری بومی در آموزش متخصصان، ارائه طرح‌های راهبردی نماهای شهری به جای طراحی نماهای شهر، رعایت حقوق همسایگی و امنیت شهروندان، استفاده از مصالح بومی و... را به عنوان عوامل موثر در دستیابی به نماهای شهری منطبق با فرهنگ ایرانی اسلامی رهنمون می‌شود.



ماخذ: نگارندگان

شکل ۱- عوامل موثر در شکل‌گیری فرهنگ

تفکر همواره عینیت کالبدی خود را در معماری تجلی بخشیده است. (معظمی، ۱۳۸۶، ۱۱) مذهب تصویری مشخص از عالم هستی ارائه داده و سازندگان بناها سعی می نمودند این تصویر را در ساختمان خود نشان دهند. (معماریان، ۱۳۸۴، ۳۹۸-۳۶۸) عامل فرهنگی به ویژه اعتقادات مذهبی، اساس ایجاد زیستگاه‌های انسانی بوده است و در نظم‌دهی به سکونت‌گاه‌ها مذهب غالباً به شیوه‌ای نمادگرایانه عمل می‌کرده است. (راپاپورت، ۱۳۶۶، ۱۹) در فرهنگ اسلامی مسلمانان با جهان بینی اسلامی و اتصاف زیباترین صفت الهی (خلیفه الهی) به خود، محیط زندگی خود را شکل داده است. از آنجا که مسلمان به عنوان عضوی از یک جامعه اسلامی وظایفی را منطبق با شرع و عرف اسلامی به عهده دارد، مسکن او، به عنوان عضوی از کالبد شهر اسلامی وظایفی را به عهده دارد که انعکاس طرز تفکر انسان مسلمان نسبت به موضوعات زندگی و جامعه می‌باشد. امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، پرهیز از فساد، پرهیز از اسراف، هدایت، شکر، تواضع، حیا، تقوی، ذکر، عبودیت، معنادار بودن محیط برای انسان و بالاتر از همه اتکاء به توحید از اصول و ارزش‌های اعتقادی انسان در شکل‌دهی به محیط‌های انسانی در زمینه اسلامی، نام برده شده است. (تقی زاده، ۱۳۸۵) در رابطه با موضوع یاد شده به موارد زیر اشاره می‌گردد:

پرهیز از فساد، اسراف (کفران نعمت) و شکرگذاری خداوند

با اتکاء به مفهوم «شکر» (به کار بردن نعمت در مسیری که برای آن خلق شده است) آشنایی نامناسب به ویژگی‌های مصالح، و به کار بردن نامناسب آنها در نماهای شهری، بی‌دقتی در ترکیب و به کار بردن مصالح در نما، عدم استفاده حداکثر از ظرفیت یک ماده چه به لحاظ استحکام و چه به لحاظ فرم‌پذیری، از اسراف در به کارگیری مواد و مصالح و آراستن نما برای جلب توجه مردم در جهت خودنمایی و تفاخر صاحبان عمارت اسراف و کفران نعمت است. (تقی زاده، ۱۳۸۵، ۳۸۳) مطابق شکل (۲)، استفاده مصالح تحت تأثیر ویژگی‌های محیطی و باورها اعتقادات و آداب و رسوم محل (بحرینی، ۱۳۷۷، ۲۵۰) بوم آورد بودن مصالح، ایجاد تنوع با ترکیب‌بندی‌های متفاوت از همان مصالح، اخلاص معماران و صاحبان عمارات در هنرشان (معماری یک وظیفه احساس می‌شده نه وسیله‌ای برای معرفیت)، زندگی معمار در بطن جامعه و احترام به سنت، از دلایل بارز این اتفاق به نظر می‌آیند.

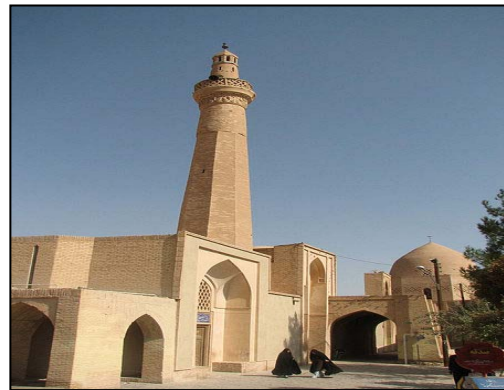
نیز چنین استنباط می‌شود که "فرهنگ اسلامی حیات هدفداری را دنبال می‌کند که ابعاد زیبایی جویی، علم‌گرایی و منطق‌طلبی و آرمان‌خواهی انسان را به شدت به فعلیت رسانده و تمام ابعاد حیاتی انسان را شامل می‌شود. که شامل ادب، خصال، علم، اخلاق به مفهوم عمومی آن و محاسن امور می‌گردد." (جعفری، ۱۳۶۹، ۱۷۰) لذا از آنجا که جهان‌بینی فضای تفکر، فرهنگ فضای عمل و معماری، شهرسازی، ادبیات، علوم تمدن حاصل از آن است "تقی زاده، ۱۳۸۵، ۶۸-۵۴) ضرورت دارد تا همانند هر مکتب فلسفی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلام، برای تحقق فرهنگ اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد و ابعاد هستی‌شناسی و معرفت اسلامی شامل رابطه انسان با خدا، جامعه، تاریخ و طبیعت بررسی شود. (نقره‌کار، ۱۳۸۷، ۱۳۳-۹۸) مطابق شکل (۱) با توجه به رابطه‌ای که در ارتباط با فرهنگ ذکر شد، فرهنگ برآیند سه عامل اعتقاد یا همان جهان‌بینی (رابطه انسان با خدا)، شیوه زندگی یا همان قوانین زندگی اجتماعی (انسان و جامعه) و در نهایت تاریخ یا دستاوردها و تولیدات یک ملت (ارتباط با طبیعت، تاریخ و هویت) است. لذا فرهنگ یک تمدن در آثار هنری آن زمانی تحقق می‌یابد که نخست از اعتقاد دینی آن سرچشمه گرفته باشد، دوم اینکه شیوه زندگی اجتماعی را بازتاب کند و سوم آنکه با احترام به تاریخ و دستاوردها و تولیدات بومی خود به بیان خود پردازد. به عنوان مثال می‌توان در فرهنگ معماری و شهرسازی ایران در دوره اسلامی از تأثیرات دین اسلام، عرف‌ها و آداب و رسوم ایرانی، ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی ایران و دستاوردها و محصولات بومی در معماری و شهرسازی اسلامی سخن گفت. به عنوان مثال "چهار عامل شرایط آب و هوایی، مواد و مصالح محلی، فرم‌های سنتی، شیوه زندگی و ارزش‌های اسلامی و اجتماعی در مورفولوژی شهرهای اسلامی ایران تعیین کننده می‌باشد." (شکویی، ۱۳۶۵، ۱۹۸-۱۹۱) ذیلاً به بررسی این موضوعات در نماهای شهری پرداخته می‌شود.

نگرش اسلام نسبت به رابطه انسان و خدا (ارزش‌های اعتقادی دینی) و شکل‌گیری نماهای شهری

"در فرهنگ دینی «حقایق باطنی وحی الهی» وجه مشترک همه عناصر تشکیل دهنده یک فرهنگ است و عامل وحدت، انسجام و هماهنگی اجزای آن به شمار می‌رود و در همه ابعاد معنوی آن فرهنگ، از ادبیات گرفته تا حکمت و عرفان و شعر و معماری تجلی و ظهور دارد." (اعوانی، ۱۳۷۴، ۴۷) فرهنگ و تمدن هر سرزمین، عمیقاً از مذهب و اندیشه‌های معنوی آن، متأثر بوده و این



شکل ۴- تابلوها در فضای شهری معاصر
ماخذ: نگارندگان



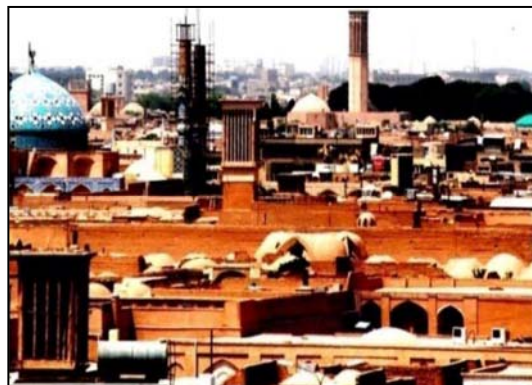
شکل ۲- پرهیز از اسراف و خلاقیت در کاربردن فرمها و مصالح و شکرگذاری از طریق به کاربردن مصالح در جای مناسب خود و منطبق با ظرفیت و توان مصالح،
ماخذ: نگارندگان

آموزش معنوی و هدایت انسان، خلیفه الهی انسان در زمین و تواضع و بندگی در برابر حق

کشف معنای نهفته در محیط طی فرآیند دو مرحله‌ای، الهام (واکنش تقریباً آبی نسبت به شکل‌ها و الگوهای محیط در ذهن) و شناختی ادراکی (رمزگشایی از اشارات محیطی) ارزیابی می‌شود. (مانلاک، ۱۳۷۹، ۹۶-۹۱) لذا محیط می‌تواند از طریق روابط میان اجزاء در ذهن انسان تاثیر گذاشته و مفاهیمی را به انسان منتقل کند. با توجه به این رابطه، آموزش و هدایت انسان از طریق شهر و معماری زمانی تحقق می‌یابد که، "معمار دارای صفات حسن الهی بوده و در آفرینش هنری خود به اعجاز توحید حسن‌ها در فرآیند هنری موفق شده و فضا معراج خود آگاهی انسان و فضای سیر و صورت متعالی، فضای تفکر و تأمل و توجه و ذکر و حضور و زیارت حضرت حق باشد نه فضای لهو و لعب و از خود بیگانگی. (نقره‌کار، ۱۳۸۰، ۱۹۸-۱۸۱) بنابر این نماهای شهری چه از طریق اشکال و فرم‌ها و چه از طریق تزئینات به کاررفته و چه از طریق خط نوشته‌ها می‌تواند به آموزش انسان بپردازد. از این مفاهیم می‌توان به احساس وحدت، مشارکت، هدفدار بودن، تزئینات، گره‌های هندسی و ذکرآیات الهی در کاشی‌های الوان اشاره کرد. مطابق شکل (۵) تکرار طاق نماها و ارکان عمودی و افقی نماها در هماهنگی با یکدیگر و در حرکت دادن انسان از معابر، از طریق احساس و ادراک بصری به فضای اصلی شهر یا جایگاه مسجد و پرهیز از ایجاد نماهایی برای جلب توجه انسان در مسیر، هدایت انسان را موجب می‌شده است که صورتی انتزاع یافته از هدایت معنوی است. مطابق شکل (۶) توجه به موضوع خلیفه الهی انسان در زمین و احیای موجودات از طریق روح دادن به سنگ یا آجر در شبکه‌های مشبک نورگیر از طریق گذر نور، نقش اندازی بر گچ و خاک به صورت نقش برجسته و لعاب‌های رنگی و آیات الهی یا

معنی داشتن و سهولت خوانش نماهای شهری برای انسان

مطابق شکل (۳) اهمیت خط آسمان در شکل دهی به نماهای شهری هم از حیث خوانایی (تشخیص موقعیت و جهت‌یابی برای عابران) و هم از حیث معنا (وجود خط آسمان تعریف شده برای هر کاربری) قابل توجه است. موضوعی که در شهر معاصر در اثر شباهت بیش از حد بناها، عدم توجه به موضوع رابطه میان کالبد و فعالیت (ناتوانی در تشخیص کاربری از شکل آن)، ایجاد سیمای بی‌معنی و ناخوانا در شهر کرده است. مطابق شکل (۴) نماهای شهری معاصر در اثر مکانیابی نامناسب ساختمان‌های بلندمرتبه، نصب تابلوهایی در ابعاد بزرگ، فروش تراکم به هر قیمتی (حتی سلب زیبایی‌های طبیعت) و نگرش صرفاً اقتصادی دنیای مدرن، به دنیایی پر هیاهو از تابلوهایی «معرف کاربری»، جهت جذب مشتری و شهر اقتصاد محور تبدیل شده است. در منظر شهرهای اسلامی، تفوق مسجد در آسمان شهر و تحقق «شهر خدا محور» با ذکر «همانا با یاد خدا دلها آرامش می‌گیرد»، به امنیت خاطر انسان می‌انجامید.



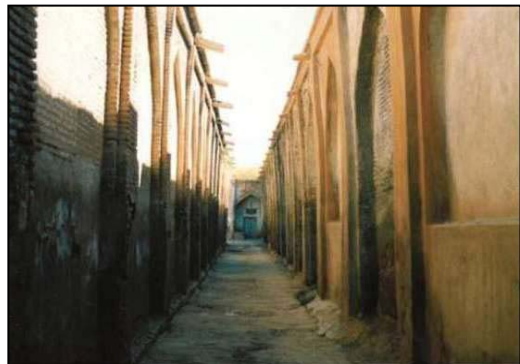
شکل ۳- نقش خط آسمان در خوانایی فضای شهری
ماخذ: نگارندگان

اعمال انسانی و تعریف شدن انسان به عنوان اشرف مخلوقات شایسته احترام بوده و تمام جهان در اختیار او می باشد. این تعریف با تعریف مدرنیته از چهره ویرانگر انسانی (فاوست گونه) جهت دستیابی به اعمال و آمال مادی در تضاد است. دین اسلام با تشویق مسلمین به زندگی اجتماعی حقوق زندگی اجتماعی را از حقوق فردی، حقوق همسایگی، حقوق شهروندی تا حقوق اجتماعی تبیین کرده است. در این خصوص می توان به قاعده «لاضرار»، مشارکت، تعاون، همکاری، برابری، احترام به حقوق خانوادگی، احترام به حقوق همسایگی، امنیت و ایمنی اشاره کرد. (نقی زاده، ۱۳۸۵) و (نقره کار، ۱۳۸۷، ۱۲۳-۱۲۲) از اینرو نماهای شهری به عنوان وسیله ارتباطات اجتماعی در شهر، عامل انتقال اطلاعات ارزشها و احساسات به مردم و نمایش شیوه زندگی اجتماعی ساکنان یک شهر و طرز تفکر به زندگی اجتماعی باشد و میزان همدلی و سطح طبقاتی و همفکری دو همسایه، از نمای منازل آنها قابل بررسی است. (بحرینی، ۱۳۷۷، ۲۵۸) در این رابطه به بررسی موضوعات زیر پرداخته می شود:

احترام به انسان: رعایت مقیاس انسانی و امنیت حضور انسان

نکته قابل توجه در رعایت مقیاس انسانی، توجه به ساختار کالبدی بنا از مقیاس کلان تا خرد می باشد. با نزدیک شدن به بنا، جزئیات بیشتری در دید انسان جلوه می یافته است. بدین گونه که ابتدا با دیدن بنا در مقیاس شهر عناصر نما به گونه ای ارکان خود را در مقیاسی که به دید ناظر می گذارد معرفی می کند. از جمله این اطلاعات مکان ورودی و فضاهای شاخص بنا می باشد. مطابق شکل (۷) با نزدیک شدن هر چه بیشتر به بنا، جزئیات بنا در شباهت به اشکال «فراکتال» هم اندازه با حضور انسان تغییر می یابد تا در نهایت با مقیاس انسانی مطابقت پیدا می کند. حتی نوع مصالح و بافت آنها همزمان با نزدیک شدن به بنا از مقیاس شهری تا فواصل نزدیک بنا با یک تناسب معین و مشخص انسانی به دیده می آیند. با نزدیک شدن به بنا، وابسته به فاصله انسان، طاقهای کوچکتر دیگری در داخل طاق بزرگتر دیده می شود. بافت های آجری مشخص تر و رنگ های متعدد گنبد به دیده می آیند. استفاده از ارزش های رنگی تک رنگ (تعدد ترکیب های رنگی به کار رفته در گنبد مساجد و ترکیب سنگ و آجر با رنگ های مشابه) و به کار بردن بافت در مصالح (تنوع آجرکاری، کنده کاری روی چوب و تنوع سنگ کاری)، جهت احترام به مقیاس انسانی و حضور انسان با نزدیک شدن به بنا بوده است. این موضوع باعث می شده است تا با

صور طبیعی، گذر نورهای رنگی از ارسی های بی جان چوب را محقق می شده است. سادگی و هماهنگی نماهای عمارات با دیگر نماها (توجه به بنای معماری، به عنوان عضوی از زنجیره نماهای شهری و معنا یافتن در کنار بناهای دیگر) و تفوق مسجد در سیمای کالبدی شهر (پرهیز از ستایش غیر حق)، نمود کاملی در ادراک عدل، عبودیت انسان، تواضع، دستیابی به اصل برابری و استحاله واژه «وحدت» به «توحید» از طریق تحقق اصل «توحید» با تعریف مسجد به عنوان مرکزیت الهی شهر در مجموعه ای وحدت یافته از بناها بوده است.



شکل ۵- تکرار طاق نماها، پیوستگی فضایی و هدایت انسان به سمت عنصر اصلی شهر (مسجد) ماخذ: نگارندگان



شکل ۶- روح دادن به ماده با استفاده از نقوش، بافت ماخذ: نگارندگان

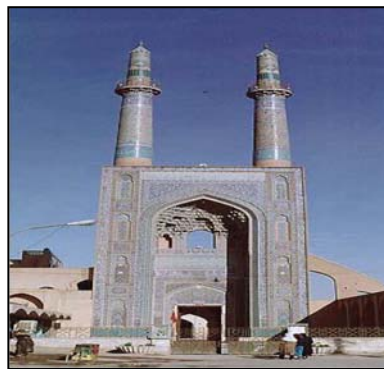
نگرش اسلام نسبت به انسان و زندگی اجتماعی (ارزش های زندگی اجتماعی) و شکل گیری نماهای شهری

دین مبین اسلام، با معرفی انسان به عنوان خلیفه الله، زمین را به عنوان محملی جهت انتقال انسان به جهان ابدیت معرفی می کند. (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۹۳-۹۴) انسان مسلمان بنا بر خصلت خلیفه الهی از طرف دیگر با توجه به تعریف شدن خداوند به عنوان محور

حریم، حجاب، حیا، پرهیز از ایجاد شرایطی برای گناه و امر به معروف و نهی از منکر

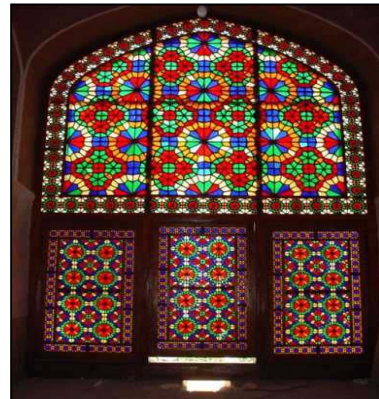
ضمن تاکید دین اسلام بر خصلت پوشیدگی و محفوظیت زندگی، خانه‌ها تقریباً همواره در یک سطح بوده و شهر شامل مجموعه‌ای از خانه‌ها می‌شد که نمای بیرونی آن‌ها، شکل فضای داخلی یا اهمیت آن را نشان می‌داد. (بنه‌ولو، ۱۳۶۹) تقسیم خانه به بخش‌های بیرونی و اندرونی، تعبیه دو نوع کوبه بر در خانه برای تمایز بین میهمان زن و مرد و استفاده از شیشه‌های ریز و رنگی یا مشجر، از جمله شیوه‌های به کار رفته در شهرهای اسلامی است. (حکیم، ۱۳۸۱) "به سبب اطمینان از محصوریت زندگی خانوادگی و تحقق بخشیدن به مفهومی مذهبی از زندگی، خانه عموماً جنبه خصوصی و درون‌گرا دارد و ساختار خانه مبین احکام جامعی از جهان و از جایگاه انسان در این جهان است." (ریمون، ۱۳۷۰) به اعتقاد «موریس» هدف از ساخت خانه حیاط‌دار حفظ محرمت عرصه خصوصی، به هر شکل ممکن بوده است. (موریس، ۱۳۸۱، ۲۹) بنابراین درونگرایی تنها یک ضرورت اقلیمی نبوده است بلکه هم حیا بوده است و هم حجاب که هم زیبایی‌هایش را برای محرمان خویش عیان می‌کرده است و هم حیایی بوده است برای اجتناب از عریان داشته‌های خویش برای دیگران. از این رو نمای شهری نیز، با تاکید بر محرمت فضاها، حریمی میان ساکنان بنا و شهر ایجاد می‌کرد. بی توجهی به این موضوع را می‌توان در عدم کنترل مشرفیت نماها، از بین رفتن محرمت و عدم مطابقت عناصر نماها با فرهنگ بومی جستجو کرد. به عنوان مثال کاربرد تراس‌ها به عنوان محلی برای خشک کردن لباس و به کار بردن پنجره‌ها به گونه‌ای که باعث نمایانی فضاهای داخل خانه شود، شاهی بر این مدعاست. نماهای شهری باید به گونه‌ای طراحی شوند که باعث تجاوز به زندگی شخصی دیگران نشوند و در این مورد ارتباط بصری با دیگر حریم‌ها در روابط همسایگی از لحاظ عرفی باید رعایت شود. مساله حیا و جلوگیری از ایجاد شرایطی برای گناه به گونه‌ای بوده است که با ایجاد عمق در نما، استفاده از شیشه‌های رنگی مطابق شکل (۸) و به کاربردن آجرهای مشبک در جلوی پنجره‌ها (شبكة جعفری)، مانع از طراحی نماهایی می‌شده است که با عریانی خود، زندگی ساکنان را در معرض دید عام قرار دهد.

حفظ آزادی‌های فردی، هویت جمعی نیز حفظ گردد. نمای عمارات با شباهت زیادی که در وهله نخست به نظر می‌رسیدند، با نزدیک شدن هر چه بیشتر انسان، نشانه‌های رنگ تعلق ساکنان با به کاربردن بافت‌های متنوع در به کاربردن مصالح، استفاده از ارزش‌های رنگی یکسان مانند ترکیب کاشی‌هایی با رنگهای مشابه (از لاجوردی کم رنگ تا پر رنگ)، تغییر نوع آجرکاری، استفاده از مصالح متنوع با حفظ شباهت‌های رنگی (به کار بردن سنگ در سردر ورودی درزمینه آجر) جلوه می‌یافته است. برای حفظ تناسب انسانی، عمارات با حفظ تناسب کوچه و رعایت مقیاس انسانی با ایجاد حیات مرکزی برای حل مشکلات اقلیمی هم در درون حیاط به تناسب فضایی دست می‌یافتند و هم امکان توسعه طبقاتی را داشتند و از طرف دیگر در تناسب فضایی کوچه و دادن مقیاس انسانی به آن با حفظ تناسب فضایی عمارت در حیاط مرکزی، نقش بازی می‌کردند. که در احساس امنیت انسان سهم بسزایی داشته است. نظارت ساکنان به فضای شهری، پرهیز از ایجاد شرایطی برای آزار و اذیت انسان در به کار بردن فرم‌ها، رنگ‌ها و عناصر نما و دقت در به کارگیری عوامل پایداری بصری و سازه‌ای مصالح و فرم‌ها از عوامل موثر در احساس امنیت در نماهای شهری بوده است. (قائم‌مقامی و همکاران، ۱۳۸۹، ۵۷-۵۲) مثال بارز موضوع یاد شده در معماری معاصر بی‌توجهی در به کاربردن نماهای شیشه‌ای است که در دهه‌های اخیر که از کشورهای اروپایی به اقتباس گرفته شده است و با ایجاد بازتاب‌های شدید آفتاب اثراتی منفی برای حضور انسان دارد.^۵ علاوه بر آن در به کاربردن مصالح در نماهای شهری توجه به مسایل مقابله در شرایط بحران نیز ضروری است. به عنوان مثال نماهای یک دست شیشه‌ای اگر به طرز مناسب مهاربندی نشوند در کوچکترین تکان‌ها احساس خطر برای شهروندان خواهد داشت. در این مورد ارتفاع و شیوه قرارگیری بازشوها در جهت ایجاد دید به معابر و نورپردازی نما، قابل توجه است.



شکل ۷- به کاربردن طاق نماها و تغییر مقیاس بنا از مقیاس شهری به انسانی بر حسب مراحل نزدیک شدن به بنا
ماخذ: نگارندگان

درگاه خانه‌ها، سرگذرها، ورودی مساجد، مدارس، حمام‌ها، میدان‌ها و دروازه شهرها، موجب شکل‌گیری شهری با لولاهای کالبدی و اجتماعی قوی در جهت ترغیب شهروندان را به مراودات اجتماعی، گشاده دستی و مهمان‌نوازی، تشویق شهروندان به خوشخویی و روی خوش نشان دادن به بیگانگان می‌شده است. " (مندی‌پور، ۱۳۸۵، ۶۲) در این شهرها نماهای شهری با صفت صفت شدن و ایجاد محلی برای نشستن، مکانی را برای مصاحبات اجتماعی فراهم می‌کردند. مطابق شکل (۹) ایجاد سکوهایی در ورودی بناهای مسکونی نشانه‌ای از احترام به سنت مهمان‌نوازی و در فرهنگ ایرانی بوده است. پرهیز از مشرفیت به درون خانه دیگران و حتی به پرهیز از سد تابش نور و جریان باد به خانه همسایگان، احترام به حقوق همسایگان بوده است. به نظر می‌رسد، برای جلوگیری از ورود به حوزه زندگی دیگران، موضوعات اشراف و حریم در نماها به گونه‌ای رعایت می‌شده است که گاه در جهت‌گیری بناها و ایجاد عمق در نماها نقش عمده‌ای داشته است. علاوه بر آن با قبول «عضوی از جامعه شهری بودن» مطابق شکل (۱۰)، برای مشارکت در ساخت فضای شهری، حتی اجزای تاسیساتی بنا از قبیل بادگیرها را به گونه‌ای نماسازی می‌کردند تا در زیبایی شهر سهیم باشند.



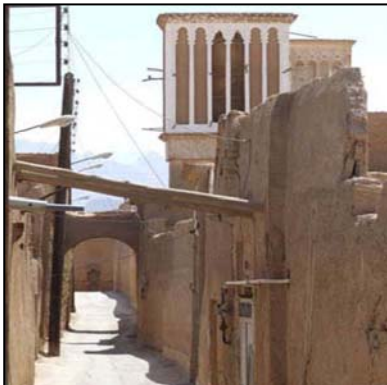
شکل ۸- پرهیز از دیده شدن فضاهای داخلی خانه با به کار بردن عمق در نما، استفاده از شیشه‌های رنگی و به کار بردن شبکه جعفری ماخذ نگارندگان

مشارکت در ساخت فضای شهری اجتماع محور: احترام به حقوق همسایگی، مهمان‌نوازی و قاعده‌لاضرار

هر چه قدر منزلت اجتماعی شهر در نظر ساکنان اهمیت داشته و هر چه ساکنان خود را به عنوان عضوی از خانواده شهر بدانند، تمایل به هماهنگی و احترام به فضای شهری در کردار آنها تقویت شده و شهری یکپارچه و هماهنگ به وجود می‌آید. نظارت و کنترل کامل بر طراحی نماهای متنوع بناها در کنار خیابان که منشا هویت خاص بسیاری از شهرهای تاریخی است امروز کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در چنین جوامعی اهمیت زندگی اجتماعی و ساختن فضایی مناسب برای آن در اولویت بوده است. هماهنگی در نماهای شهری از نتایج روش مذکور بوده است. "ناهماهنگی نماها باعث از دست دادن ویژگی‌ها و کیفیات مشترک بنا با ساختمان‌های پیرامون و از دست رفتن تأثیری کلی ساختمان‌ها در کنار هم شده است." (همین، ۱۳۸۴) "ناهماهنگی و عدم تجانس هر بنا با بناهای دیگر دلیلی بر فردگرایی سازندگان است. از عواقب آن می‌توان به مصرف‌گرایی، میل به تشابه به بیگانه، بریدن و جدایی از هویت ملی، تفاخر، خودنمایی و ازدست دادن حس تعلق نام برد." (زقی زاده، ۱۳۸۱، ۷۱) امروزه بی‌تفاوتی به شهر به عنوان نماد زندگی اجتماعی و اهمیت دادن به نمای عمارات به عنوان موجودی تنها در کنار دیگر بناها به حدی از اهمیت موضوع شهر و شهرنشینی کاسته است که به نظر می‌رسد "روش قدیمی ساختن نما همزمان با خود خیابان و سپس ساختن بقیه بنا در پشت آن توسط صاحبان هر یک از بناها امروز دیگر کاربردی ندارد." (بینج، ۱۳۸۰، ۲۱۵) "این شهرها جلوه‌گر رابطه‌ای پخته و جا افتاده بین فضا و جامعه بودند که آن را در جامعه متحول کنونی ایران نمی‌توان یافت شاید مهمترین دلیل آن گسستگی بین فضا و جامعه باشد. تمایل به ساخت با شکوه بناهای عمومی در برابر بناهای خصوصی و توجه ویژه به نقاط تلاقی شهری، همچون



شکل ۹- احترام به سنت مهمان‌نوازی و ایجاد سکوی نشستن برای مراجعان ماخذ نگارندگان



شکل ۱۰- مشارکت تاسیسات بناها (بادگیر) در ساخت فضای شهری ماخذ نگارندگان

تولیدات داخلی، خلاقیت در به کار بردن فرم‌ها و مصالح بومی، احترام به محیط زیست و انطباق با شرایط جغرافیایی در نماهای شهر ایرانی نمود این موضوع است.



شکل ۱۱- استقلال از طریق به کار بردن مصالح محلی، احترام به داشته‌های خود، استفاده از تولیدات داخلی، خلاقیت در به کار بردن فرم‌ها و مصالح بومی، احترام به محیط زیست و انطباق با شرایط جغرافیایی و ایجاد نمایی زیبا ماخذ: نگارندگان

جمع بندی

مطالعات حاضر، خلاقیت سازندگان نماهای شهری را نه تنها در به کار بردن اشکال و فرم‌ها بلکه در قابلیت‌هایی که یک نما در احیای زندگی ساکنان شهر داشته است، بیان می‌کند نتیجه مطالعات مطابق شکل (۱۲) ارائه می‌گردد که بی‌هیچ ادعایی نقصان خود را قبول دارد. آنچه از مجموعه مطالعات به دست می‌آید، مبین این موضوع است که دستیابی به فرهنگ خودی به معنای شبیه شدن به دیگران اعم از گذشته خود یا ملل دیگر نیست. دستیابی به فرهنگ خودی حرکت در بازه‌های سنت است که دامنه آن در عرف و شرع زندگی هر ملتی گسترده شده است. چنین نگرشی همواره یک فرآیند است که قادر است در طول زمان، هم «تخت جمشید» را تولید کند و در دستور زبانی دیگر «مسجد شیخ لطف الله» و در شکلی متفاوت «میدان نقش جهان» را به تصویر بکشد. چنین نگرشی به سنت، هرگز سنت و فرهنگ را در چنگال زمان گرفتار نمی‌کند بلکه بر آن صورتی نو ارائه می‌دهد. به نظر می‌رسد، به کارگیری تفکر مدرنیته در ایران، رویه تولید معماری و فرآیند خلق آن را نادیده گرفت و به تبع نبود فرآیند مناسب یا فرآیند سازگار با این مرزوبوم هرآنچه تولید شد، صورتی متفاوت بود که به نقد کشیده شد. اما از آنجا که اکثر نقدها، آرزوی شهرهای توریستی قدیمی را داشتند، بدون توجه به موضوع «فرآیند» و گرفتاری در «محصول نگر» به تاریخ (بازآفرینی شکلی معماری اسلامی به جای تفکر در فرآیند و شیوه‌ای که معماری اسلامی را بوجود آورده است)، هرگز نتوانست چهره بومی از شهر و معماری برانگیزد.

نگرش اسلام نسبت به رابطه انسان با طبیعت و تاریخ (ارزش‌های هویتی، تاریخی و بومی): عزت، استقلال و پرهیز از شبیه شدن و به بیگانگان

شدت تبلیغات کشورهای پیشرفته در کشورهای جهان سوم، یاس و ناامیدی نسبت به فرهنگ خودی، فرهنگ خودی را عامل بدبختی و عقب‌ماندگی دانستن، مصرف‌کننده‌ای خوب بودن برای محصولات کشورهای پیشرفته، شروع مصرف‌گرایی فرهنگی، بی‌توجهی به ارزش‌های بومی، کاهش مصرف تولیدات فرهنگ خودی، کاهش تولیدات بومی و ضعف بازارهای داخلی آغاز وابستگی فرهنگی و اقتصادی است. (محمدیگی، ۱۳۸۰، ۳۴۷-۳۳۷) (نقی‌زاده، ۱۳۸۱، ۷۲) (ستاری، ۱۳۸۵، ۱۱۱) موضوعی که امروز در معماری و شهرسازی ایران بالاخص نماهای شهری مشاهده می‌شود، شباهت به بیگانگان و ملل دیگر است. بسترهای فرهنگی نامناسب در تربیت متخصصان (مظفری، ۱۳۸۶، ۱۲)، "سطحی نگری و برداشت‌های سطحی از دستاوردهای ملل دیگر بدون توجه به بومی کردن آنها" (مسگرنژاد، ۱۳۸۰، ۲۱۰-۲۰۷) "بی‌توجهی متخصصان به اصول کیفی و ارزشی و توجه به کمیت گرایی، نگرش «ساخت و ساز بیشتر» دلیل بر موفقیت در حرفه معماری و بی‌توجهی قوانین و ضوابط معماری و شهرسازی به ابعاد فرهنگی" (بنیادی، ۱۳۸۰، ۱۸۰-۱۶۲)، "نگرش به موضوع «نو بودن» به معنای مدرنیستی و برداشت نادرست از «سنت» (صارمی، ۱۳۷۶، ۱۵۰-۱۳۹)، "خلق آثار مردم پسند به جای خلق آثار مهم برای مردم" (ستاری، ۱۳۸۵، ۷۱) به کارگیری مصالح بدون توجه به موضوعات اقلیمی و افزایش مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر و به کارگیری مصالح ناپایدار و غیر قابل بازگشت به چرخه طبیعت (بتن و آلومینیوم) باعث شکل‌گیری فضایی با هویت بیگانه و مغشوش شده است. در چنین شرایطی بنا، حیثیت تاریخی، فرهنگی خود را واگذاشته و در گردابی از گرایش‌های جهانی (مدرن، پست مدرن، دی کانستراکشن) و سلیقه‌های شخصی و رقابت‌های بازاری گرفتار می‌آید. (حجت، ۱۳۸۵) بدیهی است که "کنکاش‌ها و پاسخ‌های امروزی معماری مغرب زمین نمی‌تواند پاسخی مناسب به شرایط پدید آمده از بستر فرهنگی - اجتماعی باشد" (نصاری، ۱۳۸۲، ۲۱-۱۴) در این رابطه، ارتباط سازنده با طبیعت به جای رابطه مخرب، تکمیل طبیعت، تلاش برای پیشرفت، عزت، استقلال و بالاتر از همه پرهیز از شبیه شدن به بیگانگان را می‌توان از عوامل موثر در حفظ ارزش‌های تاریخی، هویتی و بومی در شکل دهی به محیط نام برد. (نقی‌زاده، ۱۳۸۵) و (نقره‌کار، ۱۳۸۲، ۳۴۵-۳۲۶) مطابق شکل (۱۱) استقلال از طریق به کار بردن مصالح محلی، به کارگیری سنت در طراحی در جهت رفع مشکلات (به جای نگرش «مدرن» که هرچیز ماقبل خود را تخریب می‌کند در «سنت» هرچیزی ماقبل خود را تکمیل می‌کند)، احترام به داشته‌های خود، بومی کردن دستاوردهای ملل دیگر، استفاده از



نتیجه گیری

محدود کند و هم به انتخاب مردم بی توجه باشد) ضروری است. علاوه بر آن آموزش‌های مردمی، تبلیغات فرهنگ خودی و پرهیز از تبلیغ فرهنگ بیگانه، توسعه تولیدات بومی به لحاظ کمی و کیفی، ضرورت توجه دانشکده‌های معماری و شهر سازی و مجلات معتبر سطح کشور به موضوع معماری بومی (با وجود گذشت پنجاه سال از تدریس معماری و شهر سازی، هنوز طرحی برای نوع مسکن در شهر های مختلف ایران تصویر نشده است. خلاء موجود بعد از زلزله بم و ضرورت بازسازی آن احساس شد)، برگزاری دوره‌های آموزشی و مسابقات معماری، در به کار بردن مصالح بومی و ایجاد طرح‌های متنوع با استفاده از مصالح بومی، توجه به موضوع مشارکت مردمی (البته به اشتباه، در ایران موضوع مشارکت مردمی به تامین منابع مالی توسط مردم تعبیر می‌شود)، مطالعه فلسفه و مبانی نظری اسلامی برای دستیابی به هویت ایرانی اسلامی، و اجتناب از تفکر و نگرش و شیوه برخورد مدرنیته در «مدرن از بالا» و نادیده گرفتن خواسته ها، نیازها و فرهنگ مردم (معماران و شهرسازان تصمیم می‌گیرند تا مردم چگونه زندگی کنند)، موضوعاتی است که در تحقق هویت فرهنگ ایرانی اسلامی در نماهای شهری معاصر ایران مفید خواهد بود.

پی نوشت‌ها

۱. ارزش‌ها *آرمان‌های* مختص یک شخص یا جامعه است و در تعریف ایدئولوژی پدید آورنده مفهوم ما شدن است. ارزشها عامل هدایت انسان اند که در اعمال و کردار انسانی به ظهور می‌رسند. در ارزشها منفعت طلبی نهفته است و اینگونه اند که با گذشت زمان یا کم رنگ می‌شوند یا جای به دیگر ارزشها می‌دهند. (هدایت شده، ۱۳۸۰، ۱۱۴-۱۱۱) هدایت ارزش‌ها یا سینه به سینه همچون اسطوره هاست یا نمادین و عینی همچون معماری و شهر. (شیلز، ۱۳۸۰، ۳۷-۲۵)
۲. در مورد دیدگاه معنایی، ر.ک: معاریان، غلام حسین، ۱۳۸۴، سیری در *مبانی نظری معماری*، سروش دانش، تهران
۳. این تعاریف که بالغ بر دویست تعریف ارائه شده از اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم است در دو مجموعه زیر به چاپ رسیده است. برای پرهیز از

گسستن از ارزش‌ها باعث از دست دادن معماری نظام یافته با زندگی مردم شد. مهمترین تهدید آن بی توجهی به آداب و رسوم در شکل دهی به معماری و شهرهاست. به اعتقاد نگارندگان هرچه به فرآیند شکل گیری معماری ایرانی توجه شود نتیجه بهتری از نگرش و تقلید صرفاً شکلی از معماری گذشته برای دستیابی به معماری هویت مند عصر خود به دست خواهد داد. شکل (۱۲) که به عنوان جمع‌بندی حاصل از مطالعات ارائه می‌شود، مبین راهکارهایی است که با رعایت آنها، نمای شهری در معماری معاصر می‌تواند چهره بومی به خود بگیرد و در اصل سیاست‌هایی را ارائه می‌دهد که با توجه به خلاقیت هر معمار می‌تواند نماهای متنوع ارائه دهد. به عنوان مثال، اگر معمار در ارائه طرحی برای نمای یک عمارت، در قبال «عزت» و «استقلال» مصالح بومی را با خلاقیت به کار گیرد، با اتکا به «شکر» مصالح را در جای مناسب خود به کاربرد، به حقوق همسایگی توجه کرده، در به کار بردن سطوح شفاف به «حیا» و امنیت شهروندان توجه کند، مقیاس انسانی را رعایت کرده، در قبال «پرهیز از شباهت به بیگانگان» از فرم‌ها و مصالح دیگر ممالک پرهیز کند، مگر آنکه در جای مناسب استفاده کند و یا صورت محلی به آن بدهد، محیط با معنا و قابل درک برای انسان خلق کند، از اسراف پرهیز کرده تا حدی، می‌تواند در خلق نماهایی با فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی موفق باشد. به هر حال مطالب یادشده کافی نیست. تا زمانی که نگرش به شهر و فرهنگ نهادینه نشده و از حالت قانون مدون و لازم‌الاجرا به عرف‌های جاری میان مردم بدل نشود، تحقق امر چندان موفق نخواهد بود. در این راستا توجه شهرداری‌ها، سازمان‌های نظام مهندسی، وزارت مسکن و دیگر ارگان‌های موثر در شکل گیری معماری و شهر سازی، در طراحی نماهای ساختمان‌های مزبور با هویت ایرانی اسلامی به عنوان مرجع مناسب برای طراحی و هماهنگ سازی نماهای شهری و توجه به طرح‌های راهبردی به جای طرح‌های ساختاری در طراحی نماهای شهری (طراحی نما برای خیابانهای شهر، ممکن است، خلاقیت و عرصه عمل معماران در شکل دهی به محیط

- اطاله کلام، نگارندگان همان تعریف جامع را ارائه می دهد. ر.ک. به دو منبع ذیل:
- الف) جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۹، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، کرامت، تهران
- ب) آشوری، داریوش، ۱۳۷۹، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، آگاه، تهران
۴. برای بررسی تعریف دقیق تر و موارد مختلف استعمال «فرهنگ»، ر.ک. به دو منبع ذیل:
- الف) دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، جلد (۱۱)، دانشگاه تهران، تهران
- ب) عمید، حسن، ۱۳۷۸، فرهنگ لغات عمید، جلد (۳)، چاپ ششم، امیرکبیر، تهران
۵. در کشورهای اروپایی به دلیل تاریکی نسبی هوا در اکثر موارد سال نماهای شیشه‌ای پاسخ مناسبی در دریافت نور و کاهش مصرف انرژی بوده، در حالی که در ایران به دلیل تابش شدید آفتاب باعث خیره شدن چشم شهروندان و برهم زدن تمرکز رانندگان می شود. به کاربرد مصالحی از قبیل کاهگل در نماهای شهری بدلیل تطابق رنگ آن با نورهای مناسب برای بینایی بوده است. و انعکاسات آن باعث آزار چشم نمی شود.
- ### فهرست مراجع
- آشوری، داریوش، ۱۳۷۹، "تعریف ها و مفهوم فرهنگ"، آگاه، تهران.
 - اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۷۱، "فرهنگ و شبیه فرهنگ"، یزدان، تهران.
 - اعوانی، غلام رضا، ۱۳۷۴، "یگانگی عمل و نظر معماری در سخن متفکران معاصر"، مجله آبادی، شماره ۱۹، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
 - انصاری، حمیدرضا، ۱۳۸۲، "تعلیق و تقلید، کنکاشی در نگاه معماری ایران به جریان دی کانستراکشن"، معماری و شهرسازی، شماره (۷۲) و (۷۳)، تهران.
 - بحرینی، سیدحسین، ۱۳۷۷، "فرآیند طراحی شهری"، دانشگاه تهران، تهران.
 - بحرینی، سید حسین، ۱۳۸۴، "تحلیل فضای شهری"، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، تهران
 - بنیادی، ناصر، ۱۳۸۰، "تحول گرایش های فرهنگی در ضوابط معماری"، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات)، جلد (۵)، آرون، تهران.
 - بنه‌ولو، لئوناردو، ۱۳۶۹، "تاریخ شهر - شهرهای کشورهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی"، ترجمه پروانه موحد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
 - پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۲، "پدیدار شناسی نمای ساختمان های مسکونی و سایر تکوینی توقعات از آن"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۴، دانشگاه تهران، تهران.
 - پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۶، "مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری"، چاپ دوم، شهیدی، تهران.
 - ترابی، علیرضا و راحله شیر اسبی، ۱۳۸۳، "شهر فرهنگی و فرهنگ شهری"، شهرداریها، سال ششم، شماره ۶۴.
 - توحیدفام، محمد، ۱۳۸۰، "موانع توسعه فرهنگی در ایران"، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران.
 - توسلی، محمود، ۱۳۷۹، "شهر: کانون فرهنگ"، هنرهای زیبا، شماره (۷)، دانشگاه تهران، تهران.
 - جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۹، "فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو"، کرامت، تهران.
 - حائری، محمدرضا، ۱۳۷۸، "فرهنگ فضا و فضای فرهنگی در شهر تهران"، اندیشه ایرانشهر، سال سوم، شماره (۱۱) و (۱۲)، تهران.
 - حجت، عیسی، ۱۳۸۵، "تهیه و تدوین مواد درسی و محتوای آموزش های عمومی معماری و شهرسازی"، گزارش مرحله دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
 - حکیم، بسیم سلیم، ۱۳۸۱، "شهرهای عربی - اسلامی اصول شهرسازی و ساختمانی"، ترجمه محمد حسین ملک اقدمی و عارف اقوامی مقدم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
 - دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، "لغت نامه دهخدا"، جلد (۱۱)، دانشگاه تهران، تهران.
 - رأب‌پورت آموس، ۱۳۶۶، "منشاء فرهنگی مجتمع های زیستی"، ترجمه راضیه رضازاده، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
 - ریمون، آندره، ۱۳۷۰، "شهرهای بزرگ عربی اسلامی"، ترجمه حسین سلطان زاده، آگاه، تهران.
 - ستاری، جلال، ۱۳۸۵، "اسطوره و فرهنگ"، مرکز، تهران.
 - شکویی، حسین، ۱۳۶۵، "جغرافیایی اجتماعی شهرها"، جهاد دانشگاهی، تهران.
 - شیلز، ادوارد، ۱۳۸۰، "ارزشها و سنت"، ترجمه: حسین امینی جاجرمی، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات) جلد (۴)، آرون، تهران.

- ۲۴) صارمی، علی‌اکبر و تقی رادمرد، (۱۳۷۶)، "ارزشهای پایدار در معماری ایران"، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- ۲۵) صدریا، مجتبی، (۱۳۷۸)، "معیارهای فرهنگی موثر بر داوری مسابقه‌های معماری جهان اسلام"، اندیشه ایران‌شهر، سال سوم، شماره (۱۱) و (۱۲)، تهران.
- ۲۶) عمید، حسن، (۱۳۷۸)، "فرهنگ لغات عمید"، جلد (۳)، چاپ ششم، امیرکبیر، تهران.
- ۲۷) فلامکی، محمد منصور، (۱۳۸۵)، "شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب"، چاپ دوم، فضا، تهران.
- ۲۸) فکوهی، ناصر، (۱۳۸۳)، "انسان‌شناسی شهری"، نی، تهران.
- ۲۹) قائم مقامی، پروین و اسلام کرمی، (۱۳۸۹)، "عوامل موثر در احساس خطر، ترس و گریز از فضای شهری"، آبادی، سال بیستم، شماره (۶۶)، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- ۳۰) گروتز، یورگ، (۱۳۷۵)، "زیباشناختی در معماری"، جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۳۱) لینچ، کوین، (۱۳۸۰)، "تئوری شکل شهر"، سید حسین بحرینی، دانشگاه تهران، تهران.
- ۳۲) ماتلاک، جان، (۱۳۷۹)، "آشنایی با طراحی محیط و منظر" (جلد دوم)، ویراستار: دکتر حسنعلی لقای، سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران، تهران.
- ۳۳) مدنی‌پور، علی، (۱۳۷۹)، "طراحی فضای شهری"، مترجم: فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- ۳۴) مدنی‌پور، علی، (۱۳۸۵)، "آیا توجه به سیمای شهر مهم است"، مجله آبادی، شماره ۵۳، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- ۳۵) مسگرزاد، جلیل، (۱۳۸۰)، "توسعه و همگونی فرهنگی دینی"، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات)، جلد (۵)، آرون، تهران.
- ۳۶) مزینی، منوچهر، (۱۳۸۰)، "حفظ ارزشهای فرهنگی در معماری و شهرسازی"، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات)، جلد (۵)، آرون، تهران.
- ۳۷) مشیری، مهشید، (۱۳۶۹)، "فرهنگ الفبایی - قیاسی زبان فارسی"، سروش، تهران.
- ۳۸) محمد بیگی، علی‌اعظم، (۱۳۸۰)، "رویکرد اقتصادی به فرهنگ"، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات)، جلد (۴)، آرون، تهران.
- ۳۹) معظمی، منوچهر، (۱۳۸۶)، "گسست‌های فرهنگی در معماری معاصر ایران، معماری و شهرسازی"، شماره (۸۶) و (۸۷)، تهران.
- ۴۰) معین، محمد، (۱۳۶۴)، "فرهنگ فارسی"، امیرکبیر، تهران.
- ۴۱) معاریان، غلام‌حسین، (۱۳۸۴)، "سبیری در مبانی نظری معماری"، سروش دانش، تهران.
- ۴۲) مورس جیمز، (۱۳۸۱)، "تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی"، جلد دوم شهرهای کشورهای اسلامی خاورمیانه و امپراتوری اسپانیا، ترجمه راضیه رضازاده، مهندسین مشاور فجر توسعه - جهاددانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- ۴۳) نقره کار، عبدالحمید، (۱۳۸۰)، "حفظ ارزشهای فرهنگی در معماری و شهرسازی"، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات)، جلد (۵)، آرون، تهران.
- ۴۴) نقی زاده، محمد، (۱۳۸۱)، "تاثیر معماری و شهر بر ارزشهای فرهنگی، هنرهای زیبا"، شماره (۱۱)، دانشگاه تهران، تهران.
- ۴۵) نقی زاده، محمد، (۱۳۸۵)، "معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)"، راهیان، اصفهان.
- ۴۶) نقی زاده، محمد، (۱۳۸۶)، "ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی"، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
- ۴۷) هدایت شده، فیروزه، (۱۳۸۰)، "نقش ارزشها بر فرهنگ جامعه"، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات)، جلد (۴)، تهران.
- ۴۸) هدمن، ریچارد و آندرو یازسکی، (۱۳۸۴)، "مبانی طراحی شهری"، ترجمه راضیه رضازاده و عباس زادگان، علم و صنعت، تهران.